

انگیزش تحصیلی در نظام های آموزشی



دسترسی آزاد

<https://journal.afagh.ac.ir>

شماره ۲، دوره ۱، ۱۴۰۳

پیش بینی نشانگان وسواس جبری دانش آموزان براساس روابط اَبژه و نیازهای بنیادین روانشناختی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه

سینا جعفرزاده^۱، هادی پاکدل^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

E-mail: hadi.pakdel367@gmail.com

چکیده

اختلال وسواس فکری، تلاش پیوسته برای انجام رفتارهای تشریفاتی یا افکار مداوم و تکراری در مقابل یک اجبار درونی است که در طولانی مدت سبب تحلیل رفتن قوای جسمی و روانی فرد می شود؛ براین اساس پژوهش حاضر با هدف پیش بینی نشانگان وسواس جبری دانش آموزان بر اساس روابط اَبژه، نیازهای بنیادین روان شناختی در شهر ارومیه انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس ناحیه یک و دو شهر ارومیه که در شش ماه اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در حال تحصیل بوده تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای تصادفی تعداد ۲۱۵ دانش آموز انتخاب و به پرسش نامه های نشانه های وسواس جبری فوا و همکاران (۲۰۰۲)، روابط اَبژه واقعیت سنجی بل (۱۹۹۵) و نیازهای بنیادین روانشناختی دسی و رایان (۲۰۰۰) پاسخ دادند. داده ها با نرم افزار SPSS-21 و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیرهای ملاک و پیش بین رابطه مثبت و معناداری در سطح $(p < 0/001)$ وجود دارد، همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که مجموع متغیرهای پیش بین ۳۴ درصد نمره نشانگان وسواس جبری را پیش بینی کردند؛ لذا با توجه به نتایج بدست آمده می توان نتیجه گرفت که روابط اَبژه و نیازهای بنیادین روانشناختی در نشانگان وسواس جبری دانش آموزان نقش دارند.

واژگان کلیدی: نشانگان وسواس جبری، روابط اَبژه، نیازهای بنیادین روان شناختی، دانش آموز

۱. مقدمه

اختلال وسواس جبری^۱ شامل یک‌رشته رفتارهای تشریفاتی یا افکار مداوم و تکراری است که فرد احساس می‌کند در پاسخ به یک اجبار درونی باید انجام دهد تا باعث کاهش اضطراب درونی وی گردد (پیاکسیتی^۲، ۲۰۱۷). این اختلال شامل رفتارهای تکراری یا اعمال ذهنی^۳ است که فرد خود را ملزم به انجام آنها در پاسخ به وسواس فکری یا براساس اصولی خاص که باید با دقت انجام شوند، می‌داند افراد دارای اختلال وسواس فکری-عملی ممکن است وسواس فکری، وسواس عملی، و یا هر دو را با هم داشته باشند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۴، ۲۰۲۲).

وسواس فکری-جبری^۵ اختلالی شایع در بین دانش‌آموزان است و میزان فراوانی علائم آن در میان دانش‌آموزان فراتر از جمعیت عمومی بیشترین خطر ابتلا به اختلال است. وسواس فکری-عملی^۶ که با سنین نوجوانان هم منطبق است، خصیصه اصلی این اختلال وجود وسواس‌های فکری یا عملی مکرر و شدید است که رنج و عذاب قابل ملاحظه‌ای را بر فرد تحمیل می‌کنند و یکی از ناتوان‌کننده‌ترین وسواس فکری اختلالات روانی است که تأثیر زیادی بر زندگی روزمره افراد مبتلا دارد. افکار، تکانه‌ها، تصاویر عودکننده و مداوم که به شکلی مزاحم و ناخواسته صورت می‌گیرد (جیسوریا^۷، ۲۰۱۷).

نتایج مطالعات حاکی از آن است علائم اختلال وسواسی بسیار گسترده هستند که در ابعاد مختلف شناختی، هیجانی، انگیزشی نمایان می‌گردد که می‌تواند رفتار و باورهای افراد را تحت تأثیر قرار دهد. سطح افسردگی بر باورهای وسواسی تأثیر می‌گذارد و بر اهمیت بیش از حد افکار وسواسی، عمل فکری با مایه‌های اخلاقی^۸، اهمیت کنترل افکار تأکید می‌نماید که به نوبه خود می‌تواند رفتارهای وسواسی از جمله کندن پوست^۹ را در پی داشته باشد (پانل پابلو^{۱۰} و همکاران ۲۰۲۲). اضطراب و افسردگی از ویژگی‌های بارز اختلال وسواسی است که باعث تشدید اختلالات فوبی^{۱۱}، اختلالات تبدیلی^{۱۲}، هیپوکندریا^{۱۳} می‌شوند (آنا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۹).

عقاید زیربنایی در سبب‌شناسی و تبیین اختلال وسواس فکری-عملی از اهمیت بیشتری برخوردار است و براساس تجارب بالینی و نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه‌های رفتاری، شناختی و تحلیلی با توجه به تجربه زیستی و محیطی مورد بحث قرار گرفته است. در حوزه رویکرد روان تحلیلی رویکرد بر نقش سالهای ابتدایی افراد تحول در آسیب‌شناسی روانی، دیدگاه عمیقتری نسبت به سایر رویکردها دارد بطوریکه روان تحلیلی سنتی این نظریه را مطرح کرد که شخصیت روان-رنجوری وسواسی واقع همان بازگشت به مرحله مقعدی در دوره تحول کودکی است (لوئیس^{۱۵}، ۱۹۳۵؛ نقل از یوسف پور و همکاران، ۱۴۰۳).

همچنین در این رویکرد شخصیت در طی مراحل روانی-جنسی شکل می‌گیرد و متشکل از نهاد^{۱۶}، خود^{۱۷} و فراخود^{۱۸} است. از سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ تغییر بزرگی در نظریه روان تحلیلی ایجاد شد و به تأثیر روابط بین فردی و الگوهای تفکر و احساسات زیربنای آن در بروز

1. obsessive compulsive Disorder

3. piacistiny

3. repetitive behaviors or mental acts

4. american psychological association

5. obsessions unwanted thoughts

6. compulsions repetitive behaviors

7. Jesouria

8. thought action fusion-moral

9. trichotillomania

10. PanelPablo

11. phobic disorders

12. conversion disorders

13. hypochondria

14. Anna

15. Lewis

16. id

17. ego

18. super ego

اختلالات توجه شد. از جمله رویکردهای حاصل از این تغییر، رویکرد روابط ابژه^۱ است (لويس^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). روابط ابژه از شاخه‌های رویکردهای روان تحلیلی هست و اصطلاح ابژه را اولین بار زیگموند فروید در سال ۱۹۰۵ وضع کرد که سعی در بررسی تحول و آسیب‌شناسی شخصیت بر مبنای روابط و تجربیات اولیه کودک با مراقب دارند (سامر^۳، ۲۰۱۴).

براین اساس در حوزه روان تحلیلی روابط ابژه ذهن کودک به واسطه تجارب اولیه با مراقبان شکل می‌گیرد. هم چنین با رشد و تحول پیچیده‌تر می‌شود. در این نظریه تصور بر این است که الگوهای روابط ابژه اولیه تکرار می‌شود. بنابراین، این الگوها در سراسر زندگی نسبتاً ثابت باقی می‌مانند و آسیب‌شناسی براساس این الگوهای روابط ابژه درونی شده تبیین می‌شود (سیچیتی و کوهن^۴، ۲۰۰۶).

پژوهش‌های گزارش شده نشان داده است که روابط ابژه‌ای^۵ مختل با اختلالات عاطفی و تجربه هیجانات منفی در افراد دارای آسیب روانی مرتبط بوده و این افراد در مولفه‌های (بیگانگی^۶، خودمحوری^۷، دلبستگی ناایمن^۸، بی‌کفایتی اجتماعی^۹) نمرات بالایی را کسب می‌نمایند. مطالعات تجربی براساس نظریه‌پردازی‌های مدل روابط ابژه می‌تواند زمینه‌ای را برای ارتقاء و بهبود حوزه درمان به‌وجود آورد (کریستال^{۱۰}، ۲۰۱۶).

در این راستا، هوپریچ^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند روابط ابژه‌های مختل، میانجیگر رابطه بین صفات تکانشگری و عاطفه‌پذیری منفی با نشانگان اختلال شخصیت مرزی هستند. همینطور کالرکین، کالیگور و سوویسلو^{۱۲} (۲۰۲۰) چنین مطرح کردند که افراد دارای نشانگان اختلال مرزی، روابط ابژه‌های مختل را به‌گونه‌ای شدید تجربه می‌کنند که موجب حس ناایمنی از خود، رفتارها و روابط مختل و بهره‌کشی بین فردی در آنها شده است.

از طرف دیگر، نقش متغیرهای حوزه شناختی در اختلال وسواسی-جبری نیز مورد توجه پژوهشگران بوده است. یکی از متغیرهایی که در این حوزه می‌تواند با نشانگان وسواس جبری در دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد، نیازهای بنیادین روان‌شناختی^{۱۳} است. نیازهای اساسی روان‌شناختی نقش مهم و قابل توجهی در ادراک بهزیستی ذهنی دارد جامع‌ترین نظریه‌ها در زمینه نیازهای روان‌شناختی نظریه خودتعیین‌گری^{۱۴} است (جن و جانگ^{۱۵}، ۲۰۱۰).

نیازهای بنیادین روان‌شناختی به‌عنوان سطوح شناختی عمیق که معمولاً خارج از هوشیاری عمل می‌کند افراد را در معرض آسیب‌پذیری روان‌شناختی قرار می‌دهد و محرومیت در ارضای نیازهای استقلال، کفایت و ارتباط با انگیزه، عملکرد و سلامت روانی ضعیف همراه است در همین راستا، نتایج پژوهش‌های لی^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۳) و کالیجسن^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد انگیزش درونی رابطه مثبتی با نیازهای بنیادین روان‌شناختی دارد؛ اما رابطه انگیزش بیرونی با این نیازها ضعیف‌تر است. از دیدگاه آنان، اگر هنگام انجام دادن فعالیت، نیازهای روان‌شناختی فعال باشند و پرورش یابند، افراد به طور خودانگیخته در فعالیت‌ها شرکت کرده و با علاقه و انرژی بیشتری تکالیف را ادامه می‌دهند و از این طریق سطوح بالاتری از انگیزش درونی را تجربه می‌کنند. اما اگر انگیزه‌ها یا اهداف فرد مستقیماً با نیازهای بنیادین

1 . object relations approach

2 . Lewis

3 . Summers

4 . Cicchetti & Cohen

5 . object relation

6 . alienation

7 . egocentricity

8 . insecure attachment

9 . social incompetence

10 . Krystal

11 . Huprich

12 . Clarkin, Caligor & Sowiolo

13 . Basic psychological needs gratification

14 . self determination

15 . Chen and Jang

16 . Li

17 . Klaijnsen

ارتباط نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت که به رشد و پیشرفت افراد در زمینه یادگیری بینجامد و اساس پیشرفت در گرو تأمین روان‌شناختی بنیادین نیازهای است (دسی و رایان^۱، ۲۰۱۱).

ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، شرایط لازم برای رشد و بالندگی، انسجام‌یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی را فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی که در تئوری خودتعیین‌گری دسی و همکاران (۲۰۰۰) مطرح شد، با رشد شخصیت و فعالیت انسان در محیط‌های اجتماعی سروکار دارد. این تئوری معتقد است که سلامت روانی و عملکرد بهینه توسط سه نیاز مهم خودمختاری، شایستگی و ارتباط قابل پیش‌بینی است؛ بنابراین بسترها و زمینه‌هایی که حمایت یا رهاکننده این نیازها هستند مستقیماً بر سلامت روان فرد تأثیر می‌گذارند که هر سه این نیازها ضروری هستند و اگر هر یک از آنها ناکام گذاشته شود هزینه‌های عملکردی جداگانه‌ای در پی خواهد داشت. افراد خودمختار عمیق‌تر در فعالیت‌ها درگیر می‌شوند و عملکردشان نیز پربارتر است. شایستگی، نیاز روان‌شناختی به داشتن تعامل مؤثر با محیط برای تولید پیامدهای مطلوب و جلوگیری از پیامدهای نامطلوب است و انسان به ارتباط نیاز دارد به همین دلیل به سمت کسانی کشیده می‌شود که اطمینان دارد رفاه او برای آنها اهمیت دارد و از افرادی که این‌گونه نیستند فاصله می‌گیرد؛ بنابراین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی برای همه‌ی انسان‌ها ضرورت دارد زیرا زیربنای بسیاری از اعمال انسان‌ها از این نیازها منشأ می‌گیرد (رایان و دسی، ۲۰۰۰).

در همین راستا، عابدین و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود نشان دادند ارتباط مثبت و معنادار بهزیستی روان‌شناختی با نیازهای بنیادین روان‌شناختی و پرورش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. در پژوهشی دیگر دیهان^۲ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، پیامدهای مثبتی همچون احساس آرامش، کاهش اضطراب، خود‌مهارگری، بهبود عملکرد و ثبات رفتاری دارد. در این ارتباط نتایج بررسی محمدی (۱۴۰۱) نشان داده است در صورت عدم ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی در بزرگسالی برای ارضای نیازهای چون عشق، محبت و شهرت به افراد دیگر وابسته می‌شویم. به تبع آن در صورت عدم تحقیق این نیازها فرد دچار آسیب‌های روان‌شناختی می‌شود و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، شرایط لازم برای رشد و بالندگی، انسجام‌یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی را فراهم می‌کند (دلفروز و همکاران، ۱۴۰۲). ازسویی نتایج پژوهش لو، اویسال و تئو^۳ (۲۰۱۵) نشان داد بین ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی با نشانه‌های افسردگی و سلامت روان، رابطه معکوسی وجود دارد.

براین‌اساس و تحقیقات انجام‌یافته قبلی مرتبط با اختلال وسواس جبری، عوامل مختلفی در بروز و تداوم علائم وسواس نقش دارند و در حوزه‌ی وسواس نظریات متعددی پیشنهاد شده است که هر یک از آنها بر عامل خاصی تأکید دارند. متغیرهای روابط ابژه و نیازهای بنیادین روان‌شناختی هر یک با اختلال وسواس جبری رابطه دارند، ولی سهم این متغیرها در پیش‌بینی نشانگان وسواس جبری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا پژوهش حاضر برای پاسخ با این سؤال که آیا روابط ابژه و نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌توانند نشانگان وسواس جبری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند، انجام شده است.

۲. روش

پژوهش حاضر از نظر روش از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه ناحیه یک شهر ارومیه، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در حال تحصیل بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۲۱۵ دانش‌آموز انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های نشانه‌های وسواس جبری فوا و همکاران (۲۰۰۲)، پرسشنامه روابط ابژه و واقعیت‌سنجی بل (۱۹۹۵) و پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی توسط دسی و رایان (۲۰۰) تکمیل نمودند. ملاحظات اخلاقی پژوهش با کد اخلاق IR.IAU.URMIA. REC1403.104، عبارت بود از اطمینان به محرمانه بودن اطلاعات به دست آمده از دانش‌آموزان، بیان اهداف پژوهش و حق کناره‌گیری مشارکت‌کنندگان. معیارهای ورود رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش، دانش‌آموز بودن و داشتن حداقل ۱۳ سال و

1. Deci and Ryan

2. DeHaan

3. Lu, Uysal & Teo

حداکثر ۱۹ سال و معیارهای خروج شامل تکمیل ناقص پرسشنامه از سوی شرکت کنندگان در پژوهش و عدم همکاری در فرایند پژوهش بود که داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و با نرم‌افزار SPSS ۲۱ تحلیل شد.

۱-۲. ابزار پژوهش

پرسشنامه نشانه‌های وسواس جبری فوا و همکاران^۱ (۲۰۰۲): این مقیاس توسط فوا و همکاران در سال (۲۰۰۲) ساخته شد که ارزیابی نشانگان وسواس در جمعیت و غیربالینی است. که دارای ۱۸ ماده است. نمره‌گذاری این آزمون بر اساس مقیاس پنج گزینه‌های لیکرت (از هیچوقت تا بیشتر اوقات) تنظیم شده است. نمره‌گذاری مقیاس بدین صورت است که هیچوقت (۰) و بیشتر اوقات (۴) می‌باشد. دامنه نمره هر شخص از صفر تا ۷۲ متغیر خواهد بود و نمره بالاتر بیانگر حضور بیشتر نشانگان وسواس در فرد است. خرده مقیاس‌های وارسو، احتکار، نظم‌دهی و شستشو علائم آشکار را منعکس می‌کنند، در حالیکه خرده مقیاس وسواس فکری و خنثی‌سازی ذهنی نشان دهنده علائم شناختی یا پنهانی است. روایی و پایایی پرسشنامه در تحقیق محمدی و فتی (۱۳۸۹) به لحاظ الفای کرانباخ ۰/۸۱ بدست آمده است و به لحاظ ضریب همسانی درونی کل خرده مقیاس‌ها از ۰/۸۱ تا ۰/۹۳ را گزارش کرده اند.

پرسشنامه روابط ابژه و واقعیت سنجی بل (۱۹۹۵):^۲ این پرسشنامه دارای ۴۵ سوال ۲ گزینه ای به صورت بله و خیر است و چهار خرده مقیاس روابط ابژه شامل (بیگانگی، دل‌بستگی نایمن، خود محوری، و بی‌کفایتی اجتماعی) و سه خرده مقیاس واقعیت‌سنجی که شامل (تحریف واقعیت، ادراک نامطمئن، توهم و هذیان) را می‌سنجد. سازندگان اصلی این پرسشنامه بلاک هارویچ و گدمن می باشند که بعد از آن توسط موریس بل (۱۹۹۵) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه توسط رشادتی با ضریب آلفای ۰/۷۵ و آلفای کرانباخ ۰/۸۵ به روش دونیمه کردن در نمونه‌های بالینی و غیربالینی، در ایران هنجاریابی شد. پرسشنامه گناه بین فردی (IGQ-67)، یک پرسشنامه خودسنجی ۶۷ پرسشی است که برای ارزیابی چهارنوع از احساس گناه (باقی مانده، جدایی، احساس مسئولیت، نفرت از خود) طراحی شده است. سازنده اصلی این پرسشنامه اوکانر می‌باشد. این پرسشنامه توسط عباسی باضریب پایایی با روش بازآزمایی برای مقیاس کل ۰/۸۷ و آلفای کرانباخ ۰/۸۶ در ایران هنجاریابی گردیده است.

پرسشنامه نیازهای بنیادین روانشناختی: این پرسشنامه توسط دسی و رایان (۲۰۰۰) ساخته شد که برای سنجش نیازهای بنیادین روانشناختی بکار می‌رود این مقیاس براساس نظریه خودتعیین‌گری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۱ سؤال که به صورت مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از اصلا درست نیست تا بسیار درست درجه‌بندی شده است که سه نیاز اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی و پیوستگی یا ارتباط) را حداقل نمره ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ ارزیابی می‌کند. روایی و پایایی این پرسشنامه به روش الفای کرانباخ در تحقیق محمدی نسب (۱۳۸۹) ۰/۷۸ بدست آمده است.

۳. یافته‌ها

هدف کلی تحقیق پیش‌بینی و تعیین روابط نشانگان وسواس جبری دانش‌آموزان براساس روابط ابژه و نیازهای بنیادین روان‌شناختی بود. تعداد ۲۱۵ دانش‌آموز دختر در پژوهش حاضر بودند. میانگین سنی آنها ۱۶/۷۸ بود. ۵۵ دانش‌آموز دوره اول، ۱۱۵ دانش‌آموز دوره دوم، ۴۵ دانش‌آموز دوره سوم متوسطه بودند.

¹ the obsessive compulsive inventory-revised (OCI-R) (Foa et al., 2002)

² bell object relations inventory (BORI; Bell,1995)

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
نشانگان وسواس جبری	وارسی	۳/۶۵	۲/۵۴
	احتکار	۲/۵۱	۱/۱۶
	نظم‌دهی	۳/۱۴	۱/۷۰
	شستشو	۳/۷۰	۲/۲۵
	وسواس فکری	۴/۰۰	۳/۶۴
	خنثی‌سازی ذهنی	۳/۹۴	۱/۵۴
نشانگان وسواس جبری		۲۰/۹۴	۱۱/۴۷
نیازهای بنیادین روان‌شناختی	خودمختاری	۶/۰۷	۱/۰۵
	شایستگی	۵/۹۱	۲/۹۶
	ارتباط	۶/۴۵	۳/۴۶
روابط ابژه	دل‌بستگی نایمن	۴/۲۵	۲/۴۰
	بیگانگی با خود	۴/۷۷	۱/۷۹
	خودمیان بینی	۵/۲۷	۳/۰۵
	بی‌کفایتی اجتماعی	۳/۶۵	۱/۹۴

جدول ۱ میانگین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین مربوط به نشانگان وسواس جبری با ۲۰/۹۴ و پایین‌ترین میانگین مربوط به احتکار با میانگین ۲/۵۶ است.

جدول ۲. رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و روابط ابژه با نشانگان وسواس جبری

متغیر	وارسی	احتکار	نظم‌دهی	شستشو	وسواس فکری	خنثی‌سازی	نشانگان وسواسی جبری
خودمختاری	۰/۳۸**	۰/۴۹**	۰/۴۳**	۰/۴۹**	۰/۴۳**	۰/۴۳**	۰/۳۹**
شایستگی	-۰/۳۰**	-۰/۳۹**	-۰/۳۲**	-۰/۳۶**	-۰/۳۲**	۰/۳۲**	-۰/۳۵**
ارتباط	-۰/۲۸**	-۰/۳۶**	-۰/۳۵**	-۰/۳۸**	-۰/۳۵**	۰/۳۵**	-۰/۲۹**
دل‌بستگی نایمن	۰/۵۳**	-۰/۶۶**	-۰/۶۲**	۰/۶۶**	۰/۶۲**	۰/۵۲**	-۰/۵۸**
بیگانگی با خود	۰/۳۹**	۰/۴۹**	-۰/۴۹**	۰/۴۴**	۰/۳۹**	۰/۳۹**	۰/۴۲**
خودمیان بینی	۰/۴۳**	۰/۵۲**	-۰/۴۸**	۰/۵۲**	۰/۴۹**	۰/۴۳**	۰/۴۲**
بی‌کفایتی اجتماعی	۰/۴۲**	۰/۵۲**	-۰/۵۳**	۰/۵۰**	۰/۴۵**	۰/۴۲**	۰/۴۹**

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و روابط ابژه با نشانگان وسواس جبری رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p < 0.001$).

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام جهت پیش‌بینی نشانگان وسواس جبری براساس متغیرهای پیش‌بین									
گام	مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آماره	p	R	R ²	R ² Δ
۱	رگرسیون	۶۰۴۱/۸۰	۱	۶۰۴۱/۸۰	۵۷/۰۲	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۵
	باقیمانده	۳۰۴۰۶/۲۲	۲۱۴	۱۰۵/۹۴					
۲	رگرسیون	۱۰۹۱۵/۵۷	۲	۵۴۵۷/۷۸	۶۱/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۱۱
	باقیمانده	۲۵۵۳۲/۴۵	۲۱۳	۸۹/۲۷					
۳	رگرسیون	۱۱۶۲۸/۷۹	۳	۳۸۷۶/۳۶	۴۴/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۰/۳۲	۰/۰۳
	باقیمانده	۲۴۸۱۹/۲۲	۲۱۲	۸۷/۰۸					
۴	رگرسیون	۱۲۳۳۴/۱۱	۴	۳۰۸۳/۵۲	۳۶/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۰۲
	باقیمانده	۲۴۱۱۳/۹۱	۲۱۱	۸۴/۹۰					

متغیر ملاک: نشانگان وسواس جبری

گام ۱: متغیر پیش‌بین: شایستگی.

گام ۲: متغیر پیش‌بین: شایستگی، دل‌بستگی نا ایمن.

گام ۳: متغیر پیش‌بین: شایستگی، دل‌بستگی نا ایمن، بیگانگی با خود.

گام ۴: متغیر پیش‌بین: شایستگی، دل‌بستگی نا ایمن، بیگانگی با خود، بی کفایتی اجتماعی.

یافته‌های پژوهش در جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای روابط ابژه و نیازهای بنیادین توان پیش‌بینی نشانگان وسواسی با مجموع متغیرهای پیش‌بین ۰/۳۴ از واریانس نشانگان وسواس-جبری را دارد، یعنی متغیرهای پیش‌بین ۳۴ درصد نمره نشانگان وسواس جبری را پیش‌بینی می‌کنند. همانطور که مشاهده می‌گردد در گام اول شایستگی ۱۶ درصد، در گام دوم با اضافه شدن دل‌بستگی نا ایمن به شایستگی این دو متغیر مجموعاً ۲۹ درصد، در گام سوم به اضافه شدن بیگانگی با خود به شایستگی و دل‌بستگی نا ایمن این سه متغیر جمعاً ۳۲ درصد و در نهایت در گام چهارم با اضافه شدن بی کفایتی اجتماعی به سه متغیر گام سوم، این چهار متغیر در مجموع ۳۴ درصد از تغییرات نشانگان وسواس جبری را پیش‌بینی می‌کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این چهار متغیر به صورت معنی‌داری قادر به پیش‌بینی نشانگان وسواس جبری هستند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی نشانگان وسواس جبری دانش‌آموزان براساس روابط ابژه، نیازهای بنیادین روان‌شناختی در شهر ارومیه انجام شد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین رابطه معنادار وجود دارد، همچنین نتایج رگرسیونی نیز نشان داد که مجموع متغیرهای پیش‌بین ۳۴ درصد نمره نشانگان وسواس جبری را تبیین می‌کنند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که روابط ابژه، نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نشانگان وسواس جبری دانش‌آموزان نقش دارند.

با توجه به یافته‌ها، نتایج نشان داد که روابط ابژه با شدت نشانه‌های اختلال وسواسی فکری و عملی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و نتایج این بخش از تحقیق همسو (پانل پابلو و همکاران ۲۰۲۲)، (آنا و همکاران، ۲۰۱۹)، تامسن و همکاران (۲۰۲۰) کلوگ (۲۰۰۷) بود که در تحقیقات خود به روابط ابژه با نشانگان وسواس جبری و اختلالات روانشناختی اشاره کرده‌اند. نظریه پردازان روابط ابژه اعتقاد دارند که ذهن کودک به واسطه تجارب اولیه با مادر یا سایر مراقبان شکل می‌گیرد و با رشد تدریجی و درونی کردن این روابط و عواطف ایجاد شده با رشد و تحول پیچیده‌تر می‌شود که در طول زندگی نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. اگر در روابط اولیه، احساس رضایت، حمایت و درک شدن تجربه شده باشد در روابط بعدی نیز انسان به دنبال چنین احساسی خواهد بود که می‌تواند مبنایی برای آسیب‌شناسی براساس این الگوها روابط ابژه درونی شده تبیین شود (گرازیانو و تروگال^۱، ۲۰۱۷).

در تبیین اهمیت پرهیز از رفتارهای وسواسی براساس رویکرد روابط ابژه، که شاخه‌هایی از رویکردهای روان تحلیلی هستند که سعی در بررسی تحول و آسیب‌شناسی شخصیت بر مبنای روابط و تجربیات اولیه کودک با مراقب دارند سیچیتی و کوهن، (۲۰۰۶) تصور می‌کنند روابط ابژه ذهن کودک بر مبنای روابط و تجربیات اولیه با مراقبان شکل می‌گیرد و با رشد و تحول پیچیده‌تر می‌شود. همچنین، در این نظریه تصور می‌شود که الگوهای روابط ابژه اولیه تکرار می‌شود و این روابط را عامل اصلی شکل‌گیری ساختار شخصیت فرد مطرح می‌کنند که در سراسر زندگی ویژگی‌های شخصیت نسبتاً ثابت باقی می‌مانند که می‌تواند مبنای آسیب‌شناسی روانی براساس الگوهای روابط ابژه درونی شده مطرح شود.

به عبارت دیگر که ابژه خیالی ممکن است به‌غلط در دو انتهای پیوستار خوب یا بد در نظر گرفته شود خوب و بد در معنای مطلق آن کاملاً خوب و کاملاً بد. حتی می‌تواند بسته به شرایط و محیط میان این دو به سرعت جا به جا شود. این ابژه خیالی ممکن است عاملی در نظر گرفته شود که می‌تواند همه خواسته‌ها و نیازهای بیمار را برآورده سازد که می‌تواند برای بیمار وسوسه‌انگیز یا دل‌فریب تصور شود اما در همان حال به‌گونه‌ای ظاهر می‌شود که این ویژگی مطلوب را از بیمار دریغ می‌کند که می‌تواند طردکننده برداشت شود. بدین ترتیب این ابژه که اغلب ابژه بد نامیده می‌شود بیشتر وقت‌ها به طور همزمان هم وسوسه‌گر و هم طردکننده برداشت می‌شود. گونه‌های نخستین خیالی متعلق به ابژه خاص در هر شخص توسط بافته‌ای از تجارب خوب و بد شدید هیجانی که خیلی زود در زندگی رخ می‌دهند حتی در سال اول زندگی تأثیر می‌پذیرند (اسپیلیوس^۲، ۲۰۱۱).

هدف دیگر پژوهش حاضر به بررسی رابطه نیازهای بنیادی روانشناختی با نشانگان وسواس جبری بود که نتایج آن همسو با پژوهش‌های عابدین و همکاران (۱۴۰۱)، دیهان و همکاران (۲۰۱۶)، لی و همکاران (۲۰۱۳) و کالیجسن و همکاران (۲۰۱۸) که به بررسی نیازهای بنیادین روانشناختی به عنوان سطوح شناختی عمیق با اختلالات روانشناختی پرداختند، بود. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که نیازهای بنیادی روانشناختی به صورت فطری در همه افراد و با انگیزش درونی، میل برای برآورد آنها وجود دارد. انگیزش عمده‌ی ما در زندگی، به حداکثر رساندن تقویت مثبت و به حداقل رساندن تنبیه در تمام موقعیت‌ها است و برطرف شدن این نیازها، برای بهزیستی افراد که در جهت درگیر شدن با محیط، عملکرد سالم روانشناختی، رشد سالم و پرورش استعدادها عمل می‌کنند، ضروری هستند (تالی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). راتر^۴ بر تعامل بین عوامل تعیین‌کننده‌ی درونی و بیرونی رفتار تمرکز می‌کند. زمانی که ما شرایط بیرونی را توصیف می‌کنیم با تقویت‌کننده‌ها سروکار داریم. وقتی که از شرایط شناختی درونی حرف می‌زنیم به نیازها اشاره می‌کنیم، طبق نظر راتر، نیازهای روانی ما، آموخته می‌شوند. در نوباوگی و اوان کودکی، این نیازها از تجربیات پیوند یافته با ارضای نیازهای فیزیولوژیکی مثل گرسنگی، تشنگی، تحریک حسی و رهایی از درد ناشی می‌شوند. هنگامی که کودکان بزرگ می‌شوند و مهارت‌های شناختی و زبان را پرورش می‌دهند، نیازهای روانی آنها کمتر از پیوند با نیازهای فیزیولوژیکی و بیشتر از رابطه‌ی آنها با نیازهای روانی اکتسابی یا آموخته شده ناشی می‌گردد. نشانه‌های ناشی از محیط اجتماعی، از حالات فیزیولوژیکی درونی آنها مهمتر می‌شود. نیازهای آموخته شده منشأ اجتماعی دارند، زیرا آنها به افراد دیگر وابسته‌اند. واضح است که نوباوگان و کودکان برای ارضای نیاز و تقویت به دیگران، مخصوصاً والدین وابسته‌اند. بعدها، تقویت به دامنه‌ی

^۱ . Graziano & Trogal

^۲ . Spillius

^۳ . Talley

^۴ . Rotter

گسترده تری از افراد از جمله معلمان و دوستان وابسته می شود. در بزرگسالی برای ارضای نیازهای چون عشق، محبت و شهرت به افراد دیگر وابسته می شویم (محمدی، ۱۴۰۱) که به تبع آن در صورت عدم تحقیق این نیازها فرد دچار آسیب های روانشناختی می شود و ارضای نیازهای اساسی روانشناختی، شرایط لازم برای رشد و بالندگی، انسجام یافتگی و بهزیستی روانشناختی را فراهم می کند (دلفروز و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین؛ نتایج پژوهش لو و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد بین ارضای نیازهای اساسی روانشناختی با نشانه های افسردگی و سلامت روان، رابطه معکوسی وجود دارد.

نتایج پژوهش نشان می دهد که متغیرهای روابط ابژه و نیازهای بنیادین روان شناختی به صورت معنی داری قادر به پیش بینی نشانگان و سواس جبری هستند. با رشد شخصیت در بستر خانواده و ارتباط با افراد مهم زندگی و روابطی که فرد با آنها دارد به مرور زمان عواطفی در انسان ایجاد می کند که باعث درونی کردن این روابط و عواطف همراه با آن می شود. اگر در روابط اولیه، احساس رضایت، حمایت و درک شدن تجربه شده باشد در روابط بعدی نیز انسان به دنبال چنین احساسی است و فرد تمایل دارد بادیگران رابطه مفید و سازنده ای برقرار نماید. گویی رابطه اولیه فرد و مادر، آینه ای است که کودک، خود را نخستین بار در آن می بیند و نسبت به خود و محیط شناخت پیدا میکند و وارد محیط های اجتماعی می شود و برای داشتن عملکرد بهینه سه نیاز مهم خودمختاری، شایستگی و ارتباط قابل پیش بینی است. بنابراین بسترها و زمینه هایی که حمایت یا رهاکننده این نیازها هستند مستقیماً بر سلامت روان فرد تأثیر می گذارند. که هر سه این نیازها ضروری هستند و اگر هر یک از آنها ناکام گذاشته شود هزینه های عملکردی جداگانه ای در پی خواهد داشت. افراد خودمختار عمیق تر در فعالیت ها درگیر می شوند و عملکردشان نیز پربارتر است. شایستگی، نیاز روان شناختی به داشتن تعامل مؤثر با محیط برای تولید پیامدهای مطلوب و جلوگیری از پیامدهای نامطلوب است. انسان به ارتباط نیاز دارد به همین دلیل به سمت کسانی کشیده می شود که اطمینان دارد رفاه او برای آنها اهمیت دارد و از افرادی که اینگونه نیستند فاصله می گیرد. بنابراین ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی برای همه انسان ها ضرورت دارد زیرا زیربنای بسیاری از اعمال انسان ها از این نیازها نشأت می گیرد.

محدودیت های پژوهش نتایج حاصل از تحقیق حاضر براساس نمونه محدودی بدست آمده که با روش نمونه گیری غیر تصادفی صورت گرفت، که این امر تعمیم یافته های پژوهش را با محدودیت مواجه می سازد. این پژوهش در منطقه جغرافیایی ارومیه انجام گرفته و تعمیم پذیری نتایج آن به سایر مناطق با محدودیت همراه است. داده های پژوهش حاضر بوسیله پرسشنامه های خودسنجی جمع آوری شده اند که همانند تمام پژوهش ها آزمودنی ها ممکن است دارای سوگیری باشند که از جمله محدودیت تحقیق به شمار می رود. این پژوهش بر روی جنسیت مؤنث انجام گرفته و تعمیم پذیری نتایج آن به جنسیت مذکر با محدودیت همراه است.

منابع

- دلفروز، سمیه؛ ابراهیمی، محمداسماعیل؛ میرهاشمی، مالک؛ قدسی، پروانه. (۱۴۰۰). رابطه ارضای نیازهای اساسی روانشناختی با بهزیستی روانشناختی در دانش‌آموزان دختر: نقش میانجی خودکارآمدپنداری، دو فصلنامه سلامت روان کودک. ۸ (۱)، ۸۰-۹۶
- عابدین، طیبه؛ پروانه، قدسی؛ تقی لو، صادق؛ دوایی، مهدی. (۱۴۰۱). رابطه علی خودشناسی انسجامی و نیازهای بنیادین روانشناختی با بهزیستی روانشناختی، باتوجه به نقش میانجی ذهن آگاهی در دانش‌آموزان. دو فصلنامه مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان. ۳ (۲)، ۲۲۶-۲۱۳.
- محمدی، سحر. (۱۴۰۱). پیش بینی نشانگان وسواس جبری بر اساس محرومیت هیجانی، تمایز یافتگی و اجتناب شناختی در دانشجویان پرستاری، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.
- یوسف پور، واحده؛ محمودعلیلو، مجید و اسماعیل، پور خلیل. (۱۴۰۳). مقایسه سوگیری توجه در افراد دارای نشانه‌های اختلال وسواسی-اجباری (شستوکننده‌ها، واریسی‌کننده‌ها) نشانه‌های اختلال اضطراب فراگیر و افراد بهنجار مجله علوم روانشناختی، ۲۴ (۱۴۷) ۱۰۰-۸۳.
- American Psychiatric Association. (2022). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed. 2013). Arlington, VA: American psychiatric publishing.
- Anna, C., Krzysztof, R., Jerzy, A., Edyta, D., Michał, M. (2019). Anxiety symptoms in obsessive-compulsive disorder and generalized anxiety disorder, *The National Center for Biotechnology Information* ;53(4):845-864. doi: 10.12740/PP/105378.
- Chen, K.C. and Jang, S.J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Computers in Human Behavior*, 26(4):741-752.
- Cicchetti, D., Cohen, D. (2006). Developmental psychopathology. Volume 1: Theory and method: New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and well-being: The role of psychological needs. *Journal of Psychological Inquiry*, 22, 17-22.
- Deci, EL., Ryan, RM. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*; 11: 227-268
- DeHaan, C. R., Hirai, T., & Ryan, R. M. (2016). Nussbaum's capabilities and self-determination theory's basic psychological needs: Relating some fundamentals of human wellness. *Journal of Happiness Studies*, 17(5), 2037-2049
- Graziano, V., Trogal, K. (2017). The politics of collective repair: Examining object-relations in a postwork society. *Cultural Studies*. 31(5):634-58
- Klaeijns, A., M. Vermeulen, & Martens, R. (2018). Teachers' Innovative Behavior: The Importance of Basic Psychological need Satisfaction, intrinsic motivation, and occupational self-efficacy." *Scandinavian Journal of Educational Research*, 62 (5): 769-782
- Krystal, H. (2016). Self- and Object-Representation in Alcoholism and Other Drug-Dependence: Implications for Therapy, *NIDA Research Monograph*, V.12, 1977.
- Lewis, A/ (1935). Problems of obsessional illness. *Proceedings of the Royal Society of Medicine*. 29: 325-336

- Lewis, S. J., Koenen, K. C., Ambler, A., Arseneault, L., Caspi, A., Fisher, H. L., & Danese, A. (2021). Unravelling the contribution of complex trauma to psychopathology and cognitive deficits: a cohort study. *The British Journal of Psychiatry*, 219(2), 448-455.
- Li, C., Wang, C. J., and Y. H. Kee. (2013). Burnout and its Relations with Basic Psychological Needs and Motivation among Athletes: A Systematic Review and Meta -analysis.” *Psychology of Sport and Exercise* , 14 (5), 692 –700
- Lu, Q., Uysal, A., Teo, I. (2015). emotional ambivalence, pain, and depressive symptoms Need satisfaction and catastrophizing: Explaining the relationship among. *Journal of Health Psychol.* 16(5), 819-827.
- Michael, K., Petra, S., Martin, D., Alexander, Y., Axel S .(2007). Sleep onset REM periods in obsessive compulsive disorder. *Psychiatry Research*, 152(1), 30, 29-35.
- Panel Pablo, J., Ángel, R., Inmaculada, C., Ana, I. (2022) Obsessive beliefs and uncertainty in obsessive compulsive and related patients, *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 22(3), 100316
- Park, Y. & Kim, H. S.(2019). The interaction between personality and interpersonal needs in predicting suicide ideation, *Psychiatry Research*, Vol. 272, PP. 290-295.
- Rotter, J. B. (1966). Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological monographs: General and applied*, 80(1), 1.
- Ryan RM, Deci EL. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development and well-being. *American Psychologist*; 50: 68-78
- Spillius, EB., Milton, J., Garvey, P., Couve, C., Steiner, D. (2011). *The New Dictionary of Kleinian Thought*: Taylor & Francis. 201
- Summers, F. (2014). *Object relation theories and psychopathology: a comprehensive text*. The analytic press. London: Routledge.
- Talley, A. E., Kokum, L., Schlegel, R. J., Molix, L., & Bettencourt, A. (2012). Social roles, basic need satisfaction, and psychological health: The central role of competence. *Journal of Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(2), 155-173.
- Tamsen, T., Melesen, H. (2020). Attentional control in OCD and GAD: Specificity and associations with core cognitive symptoms, *Behaviour Research and Therapy*, 49(11):756-62.



Predicting Obsessive-Compulsive Symptoms of Students Based on Object Relations and Basic Psychological Needs in Urmia City

Sina Jafarzadeh¹, Hadi Pakdel^{*2}

1. MA in Clinical Psychology, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
E-mail: hadi.pakdel367@gmail.com

Abstract

Obsessive Compulsive Disorder is a continuous effort to perform ritualistic behaviors or continuous and repetitive thoughts against an internal compulsion that weakens a person's physical and mental strength in the long run. The present study was conducted with the aim of predicting obsessive-compulsive symptoms of students based on objective relationships and basic psychological needs of Urmia city. This research is descriptive-correlational in terms of method. The statistical population of this research was made up of all the female students of schools in the first district of Urmia city who were studying in the first six months of the academic year 1402-1403. In order to reach the sample units, a random multi-stage cluster sampling method was used, and 215 people were selected. In order to collect data, questionnaires of obsessive-compulsive symptoms were used by Fua et al. (2002), Bell's reality-object relationships (1995) and Desi and Ryan's (2000) basic psychological needs. In the data analysis method, the information obtained from this research was analyzed using SPSS-21 software, Pearson correlation coefficient and multiple regression test. Pearson's correlation coefficient results showed that there is a positive and significant relationship between criterion and predictor variables at a significant level ($p < 0.001$), and the results of multiple regression also showed that the total predictor variables explained 34% of the obsessive-compulsive symptoms score. Therefore, it can be concluded that object relations, basic psychological needs play a role in students' obsessive-compulsive symptoms.

Keywords: Obsessive-compulsiv, Object relations, Basic psychological, Student